

تحلیل تطبیقی مفهوم سازگاری در جستارهای دیوید هیوم و رساله درباره انسانِ الکساندر پوپ

مریم سلطان بیاد^۱زهره رامین^۲هارمیک بدلی ملکونیانس^۳

چکیده

کشف انگیزه‌های رفتارهای انسان به موضوعی بحث‌برانگیز در میان فلاسفه قرون هفدهم و هجدهم تبدیل شده بود. درحالی‌که حامیان اختیارگرایی معتقد بودند که اعمال انسان از یک اراده درونی ناشی می‌شود، جبرگرایان از سوی دیگر معتقد بودند که اعمال انسان معلول علل بیرونی است که اصولاً خارج از اراده فردی هستند. دیوید هیوم راه حل میانه‌ای را برای این اختلاف بین فلاسفه یافت و آن را «کنش میانه» نامید. این مطالعه تطبیقی با هدف کشف مفهوم و آثار کنش میانه دیوید هیوم در کارهای الکساندر پوپ انجام شده است. برای دستیابی به این هدف، نظرات هیوم که در فصل هشتم کتاب تحقیقی در مورد درک انسانی، با عنوان «آزادی و ضرورت» بیان شده است، مورد بررسی قرار گرفته و با دیدگاه‌های پوپ در رساله درباره انسان، تطبیق داده شده است. با روش تطبیقی می‌توان استدلال کرد و نتیجه گرفت که افکار هیوم در آثار پوپ تأثیر گذاشته است و هر دو متفکر، غریز انسانی را به‌عنوان انگیزه واقعی در پس اعمال انسان پذیرفته‌اند. از طریق یک تحلیل بینامتنی، همچنین می‌توان نتیجه گرفت که این تأثیر مستقیم افکار هیوم بر پوپ بوده است و یا اینکه هر دو شخصیت تحت تأثیر جریان‌های فکری قرن هجدهم، از جمله جریان روشنفکری و سکولاریزم بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: جبرگرایی، اختیارگرایی، خلق ذاتی، انگیزه‌های درونی، اعمال انسانی

msbeyad@ut.ac.ir

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

zramin@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران

Harmik.melkonians@ut.ac.ir